

برگزاری مراسم سوگواری حضرت امیرالمؤمنین در حضور رهبر انقلاب

ایسنا: اولین روز از مراسم سوگواری حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حسینیه امام خمینی برگزار شد. در سالروز ضربت‌خوردن مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مراسم سوگواری و عزاداری آن امام همام، با حضور قشرهای مختلف مردم و رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حسینیه امام خمینی رحمة‌الله برگزار شد. در این مراسم که بعد از اقامه نماز ظهر برگزار شد، احمد چینی به ذکر مصیبت و مرثیه‌خوانی در عزای مولای متقیان حضرت امام علی علیه‌السلام پرداخت.

ادامه از صفحه اول

بریتانیا گرفتار بحران اروپایی

از نظر تاریخی، بریتانیا همواره نگاهی بدبینانه برای عضویت در همکاری‌های اروپایی به‌ویژه اتحادیه اروپا داشته است؛ اتحادیه‌ای که اولین پای‌های آن بعد از جنگ جهانی دوم ریخته شد تا اروپا دیگر وارد جنگ‌های هولناک نشود و در عوض به سوی هم‌گرایی و همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی حرکت کند. در این راستا اتحادیه اروپا موفقیت‌های متعددی با پذیرش عضویت کشورهای اروپای شرقی بعد از فروپاشی کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۰ به دست آورد و هم‌اکنون دارای ۲۸ عضو است. بریتانیا چند بار در دهه ۱۹۶۰ برای عضویت در اتحادیه اروپا که آن موقع هنوز به نام جامعه اقتصادی اروپا EEC خوانده می‌شد، تلاش کرد؛ اما هر بار از سوی ژنرال دوگل، رئیس‌جمهور فرانسه، عضویتش رد شد. تا اینکه با رفتن دوگل، بریتانیا در سال ۱۹۷۳ به عضویت اتحادیه اروپا پیوست. از این لحاظ، بریتانیا را نمی‌توان به‌عنوان پایه‌گذار اتحادیه اروپا محسوب کرد. این در حالی است که آلمان و فرانسه دو مؤسس اصلی این اتحادیه هستند و بیشترین نفوذ را در ساختار و رهبری آن برعهده داشته‌اند. بریتانیا همواره به علت رقابت‌های پنهان و آشکار به‌ویژه با فرانسه، از این مسئله ناخرسند بوده است. بریتانیا به علت سابقه طولانی دوران امپراتوری خود که بنا به گفته مشهور که در آن امپراتوری به علت وسعت «خورشید غروب نمی‌کرد»، همیشه خواستار نقش پررنگ و اثرگذاری بیشتری در اتحادیه بوده است؛ اما عملا به چنین فرصتی دست نیافت که بخشی از علل این ناکامی، تحت تأثیر روابط سنتی و استراتژیک بریتانیا با آمریکا بوده است. حزب محافظه‌کار بریتانیا که خواهان اعاده قدرت از دست‌رفته امپراتوری قرن نوزدهمی این کشور و تقویت جایگاه جهانی آن در روابط بین‌الملل است، اولین بار مسئله فرارندوم جدایی از اتحادیه اروپا را در دوره آقای دیوید کامرون در سال‌های ۲۰۱۴–۲۰۱۵ مطرح کرد؛ اما او شش ماه بعد از اعلام برگزاری referendum از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و انجام مأموریت خروج را به خاندن تراز می واکذار کرد؛ زیرا کامرون تحت فشار اعضای حزب محافظه‌کار و سیاست‌های حزبی و نیز حامیان طرح خروج در مجلس لردها، مجبور به این کار شده بود؛ اما آقای کامرون در نظر و عمل، مخالف خروج از اتحادیه بود. از جمله دلایلی که موانع خروج از اتحادیه اروپا مطرح می‌کنند؛ از دست‌رفتن استقلال و حاکمیت ملی بریتانیا در روند قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری در امور اقتصادی، کشاورزی، بهداشتی، مهاجرت و نیز فرصت‌های شغلی است. اما مخالفان خروج معتقدند خروج از اتحادیه بدون توافق اقتصادی، ضربه سنگینی بر بنیه اقتصادی بریتانیا وارد می‌کند زیرا ۴۴ درصد کل تجارَت خارجی بریتانیا با اتحادیه اروپاست و اصولا بریتانیا عضوی از خانواده اروپایی است و خروج از اتحادیه هم به ضرر این کشور و هم آینده سیاسی، اقتصادی و امنیتی اروپا خواهد بود. اما مشکل دیگر آنجاست که اتحادیه اروپا حاضر نیست بریتانیا در صورت خروج، از تمام مزایای بازار آزاد اقتصادی و کمربکی اروپا استفاده کند. بریتانیا از اینکه در کنار کشورهای ضعیف و کوچک اروپا و تازه‌عضواین اتحادیه بنشیند، درحالی‌که بعد از آلمان دومین قدرت اقتصادی اروپاست، احساس خوبی نداشته و همواره بر این باور بوده است که سالانه حدود ۱۹ میلیارد پوند، یعنی هفت‌ای حدود ۲۵۰ میلیون پوند به اتحادیه اروپا پرداخت می‌کند اما در مقابل، امکانات مساوی و مؤثری دریافت نمی‌کند. یکی دیگر از عوامل مهمی که در مسئله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تأثیر داشته و نه‌تنها در اروپا، بلکه در بریتانیا در ۱۰ سال گذشته گسترش یافته، حرکت‌های ملی‌گرایانه و ضدمهاجران است. حرکت‌های ملی‌گرایانه و بعضا افراطی در بریتانیا منتهی به ظهور احزاب چپ ناسیونالیستی–پوپولیستی شده است که با برخی احزاب اروپایی مانند آلمان، اتریش، فرانسه، هلند و ایتالیا ارتباط دارند. باید توجه داشت که مسئله برکزیّت و خروج از اتحادیه اروپا، تأثیرات عمیقی بر ملاحظات سیاسی و روابط ملی چهار منطقه، انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی گذاشته است. اسکاتلند و ایرلند شمالی دو منطقه مهمی هستند که آینده الحاق و جدایی آنها از بریتانیا با مسئله خروج این کشور از اتحادیه اروپا گره خورده است. پارلمان و رهبران این منطقه خواستار جدایی از بریتانیا و کسب استقلال از این کشور در صورت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا هستند.

ادامه در صفحه ۱۴

شرق: شش سال از حضور حسن روحانی در بالاترین مقام اجرایی می‌گذرد. او در حالی در سال ۹۲ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد که هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا پا کاندیداهای خود وارد میدان شده بودند؛ اما چرا روحانی نتوانست جریان سوم شود؟ نخواستی است یا نتوانست؟ برای رسیدن به این پرسش‌ها باید به مرام سیاسی او و اتفاقاتی که او را به صندلی ریاست‌جمهوری رساند و روند بعد از آن نگاه کرد. حسن روحانی در مسلک سیاسی خود تلاش کرده تا راه مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را پی بگیرد و مانند او میانه‌رو باشد. مرحوم هاشمی همیشه با مورد انتقاد این جناح بود یا آن جناح؛ اما چنان جایگاهی برای خود داشت که همیشه توانست در سیاست ایران باقی بماند و حذف نشود. حسن روحانی در سال ۹۲ با رد صلاحیت هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ماند تا در جدال اصولگرایان و اصلاح‌طلبان راه میانه را برد. حزب حامی او «اعتدال و توسعه» بود که افرادی مانند محمود واعظی، محمدباقر نوبخت، محمدرضا نعمت‌زاده، اکبر ترکان و فاطمه هاشمی‌رفسنجانی در رأس آن بودند و حسن روحانی نیز به آنان نزدیک بود. شرایط انتخابات به گونه‌ای بود که در نهایت اصلاح‌طلبان به حمایت از روحانی پرداختند و او بر مسند ریاست‌جمهوری نشست. روحانی، هم شعار میانه‌روی و اعتدال را برگزیده بود و هم حمایت اصلاح‌طلبان را داشت؛ اما چه شد که نتوانست این پتانسیل را تبدیل به «جریان سوم» کند. اگر محمود احمدی‌نژاد تعریف خود از «جریان سوم» را « نه این و نه آن» انتخاب کرده بود، حسن روحانی «هم این و هم آن» را انتخاب کرد و البته همین پاشنه آشیل او شد. روحانی تلاش کرد هم به شعارهای اصلاح‌طلبان پایدار بماند و هم از جناح اصولگرا در کابینه خود استفاده کند؛ اما عملکرد دولت او باعث شد تا با وجود پشتیبانی مجدد اصلاح‌طلبان از روحانی در انتخابات سال ۹۶، طیف طرفدارش کم‌کم به جمع منتقدان دولت او بپیوندد؛ هرچند شخصیتی مانند «اسحاق جهانگیری» به‌عنوان یک چهره اصلاح‌طلب به‌عنوان معاون اول او حضور داشت. بااین‌حال نتوانست عنصر مهم برای تبدیل‌شدن به «جریان سوم» را که همان رضایت و

مقبولیت مردم را که عموما به خاطر طیف اصلاح‌طلبان و فراخوان رئیس دولت اصلاحات به او رای داده بودند، برای خود نگه دارد. کار تا جایی پیش رفت که سعید جریاران، از تورسین‌های اصلاح‌طلبان، گفت که: «ما با دکتر روحانی عقدی –به صورت ریاست‌جمهوری– نداریم و ایشان وعده‌هایی به مردم دادند و مردم هم به دلیل همان وعده‌ها پای صندوق رای رفتند». سخنانی که با واکنش محمود واعظی، رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور و از افراد نزدیک به روحانی مواجه شد و او گفت که دولت در انتخابات با اصلاح‌طلبان تددرو ائتلاف نداشته است. نکته‌ای که وجود داشت، این بود که برخی نبود موفقیت جریان سوم حسن روحانی را حزب اعتدال و توسعه اعلام کنند. رئیس‌جمهوری تیم اقتصادی و حلقه اول اطراف خود را از میان همان حزب «اعتدال و توسعه» انتخاب کرد؛ اما شرایط به اقتصادی، گرانی‌ها و نزول ارزش پول که بعد از خروج آمریکا از برجام، گریبان دولت روحانی را گرفت، باعث شد تا اقبال به سمت آنان کاهش یابد و تلاش برای حضور جریان سوم به صفر نزدیک شود.

اعتدال به‌مثابه یک مسلک سیاسی

البته باید به این نکته نیز توجه کرد که اعتدال یک



روحانی

روش و مسلک سیاسی است؛ نه یک جریان سیاسی. ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا، در گفت‌وگو با نامه‌نیوز درباره احتمال ایجاد جریان سوم بین جناح‌های سیاسی با نام «اعتدال»، گفته است: «زمانی که از جریان سوم می‌تیم، باید تعریف مشخصی از آن داشته باشیم. اگر جریان به معنای یک نحله فکری که دارای خط مشی ایدئولوژیک است، باشد؛ پس جریان‌ی به نام اعتدال نداریم. اینکه در هر دو جناح، یک‌سری از افراد معتدل هستند و خیلی رادیکال فکر نمی‌کنند، به معنای این نیست که این افراد، یک جریان هستند. هم در جریان اصلاح‌طلبان، هم در جریان اصولگرا، طیف‌های رادیکال و معتدل را داریم».

او گفته بود: «اینکه تصور کنیم معتدلین هر دو جناح، با یکدیگر ائتلاف می‌کنند، شدنی نیست؛ چون دارای مبانی فکری متفاوتی هستند؛ نه شدنی است و نه مطلوب است. دلیلی هم ندارد دنبال این موضوع باشند. الان دو جناح سیاسی داریم که مبانی ایدئولوژیک‌شان با یکدیگر اختلاف دارد. جریان سوم باید یک مبانی ایدئولوژیک سوم را به راه بیندازد. چون تاکنون متمایز نبوده و صرفا خواسته‌اند با تمایز بر

سیاست

چرا حسن روحانی «جریان سوم» نشد

خط مشی سیاسی و اجرایی، تمایز ایجاد کنند، تداوم نداشته‌اند و تغییر در این سطح نمی‌تواند ایجادکننده جریان سوم باشد.

مرتضی مبلغ، معاون سیاسی وزیر کشور دولت اصلاحات، نیز درباره شکل‌گیری جریان سوم گفته بود: «جریان‌های سیاسی یک پشتوانه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی دارند و به‌تدریج شکل می‌گیرند و به‌این‌صورت نیست که یک گروه بایند و روی یک جریان، اسمی بگذارند یا مثلا ائتلاف‌های فصلی و مقطعی بخواهد اسمش بشود جریان جدید؛ به نظم این موضوع، ساده‌نگری در سیاست است. بالاخره جناح‌های سیاسی در کشور، جریانات ریشه‌داری هستند که دارای پایگاه اجتماعی‌اند». او همچنین گفته بود: «اعتدال یک روش است و نه یک جریان و جناح سیاسی. این موضوع کاملا روشن است. در انتخابات اخیر هم، هر دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب، نامزدهای خود را داشتند.

در بین اصولگرایان هم، طیفی که معتدل است و از تندروی فاصله گرفته است، رویکرد متفاوتی را اتخاذ کرد و از آقای روحانی حمایت کردند. این مسئله مطرح نیست که در انتخابات جناحی به نام اعتدال به وجود آمده باشد. روش دولت آقای روحانی، اعتدالی است و این موضوع نیاز بود؛ تا بر مبنای اقتضانات زمانی و آنچه در گذشته کشور را با بحران‌های متعددی روبه‌رو کرده بود، خارج بشویم؛ پس باید یک عقلانیت و اعتدال بر مدیریت اجرایی کشور حاکم می‌شد. کسانی که بخواهند از این روش، با نام یک جریان یاد کنند، به نظرم با خطای بزرگی روبه‌رو می‌شوند». شخص حسن روحانی همیشه تلاش کرده تا رابطه خود را با بزرگان دو جناح مانند رئیس دولت اصلاحات و علی‌اکبر ناطق‌نوری حفظ کند و بر میانه‌بودن خود تأکید کند. او راه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی را پیش گرفته تا در میانه دو جناح حضور مؤثر داشته باشد؛ اما شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و همچنین اتفاقات بین‌المللی به سمتی می‌روند که گویی باز هم مردم ترجیح می‌دهند به یکی از دو جناح اصلی کشور اعتماد کنند تا اینکه دوباره همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد یک جریان کم‌فروغ مانند «اعتدال» قرار دهند.

اقتصادی غلبه یافته است.

❗اگر بخواهد جریان سومی شکل بگیرد، زمینه‌هایش وجود دارد؟ واقعیت این است که دو جناح موجود به‌شدت دچار فرسودگی نیروها و کهنگی شعارها شده‌اند و سال‌هاست هیچ تولید فکر جدیدی را در آنها شاهد نیستیم. علت عمده آن، این بوده و هست که انگیزه حرکتی جناح‌های ما در نفی رقیب بوده است نه تحلیل دقیق و برنامه‌ریزی ایجابی برای حکمرانی. به بیان ساده‌تر، آنها برای آن قدرت را به دست می‌گرفتند تا رقیب به قدرت نرسد، نه آنکه برای مدیریت کشور برنامه حساب‌شده‌ای داشته باشند. در نتیجه بعد از به‌قدرت‌رسیدن، به‌ویژه در ریاست‌جمهوری و استقرار در قدرت و مواجهه با واقعیت‌های حکمرانی، رویکرد آنها تغییر کرده و در بستر عمل‌گرایی از شعارهایی که با آن به قدرت رسیده‌اند، فاصله می‌گیرند. به‌مرور در کشور دو جریان که قبلا در پوشش دو جناح در مقابل هم بودند، به صورت شفاف‌تر در حال مواجهه هستند؛ جریان حاکمیت که می خواهد قدرت خود را از طریق ایجاد پذیرش آرمان‌ها در میان توده‌ها بگیرتارند و اطاعت ایجاد کند و در مقابل جریان مردم عادی که با ارزش‌ها و آرمان‌ها تقابل ندارد، ولی اولویت‌هایش متفاوت است.

ادامه در صفحه ۱۵

رقابت محمدرضا عارف و علی لاریجانی در آخرین ایستگاه انتخابات هیئت رئیسه مجلس دهم

«امید» برای ریاست بهارستان

عبدالکریم حسین‌زاده رئیس این کمیته شد تا نحوه ورود امیدی‌ها به انتخابات را مشخص کند؛ اما امیدی‌ها اظهارنظر‌ها درباره انتخابات تا همین دیروز سر باز می‌زدند. آن هم به یک دلیل؛ در نتیجه انتخابات تأثیر دارد. به‌همین‌دلیل گمانه‌زنی‌ها درباره نامزدی‌های هیئت‌رئیس‌ه و ریاست مجلس فراکسیون آن‌قدر زیاد شد که جلسه‌ای با خبرنگاران برگزار کرد. حوالی ظهر بود که رئیس فراکسیون امید فهرست‌های منتشرشده منسب به فراکسیون امید برای انتخابات هیئت‌رئیس‌ه مجلس را تکذیب کرد و گفت که فراکسیون امید انتخاب این فراکسیون برای انتخابات هیئت‌رئسه قطعی نشده است. عارف گفت که تا چند ساعت آینده این فهرست نهایی خواهد شد. او در این جلسه از این گفت که رئیس مجلس سخنگوی نمایندگان است و مبنای نهادهای پارلمانی خرد جمعی است و رئیس مجلس هم مزیتی بر سایر نمایندگان ندارد. هرچند پیش‌ازاین هم معلوم شده بود که فراکسیون امید با این انتخابات دیگر انتلافی نمی‌کند. عارف توضیح داد که نمی‌شود فراکسیون یک خط قرمز برای خود تعریف کند و بعد نتوان درباره ائتلاف صحبت کرد و تجربه سه سال گذشته ما هم نشان داد که فراکسیون‌های دیگر آمادگی ائتلاف ندارند. چند ساعت بعد همان‌طور که رئیس فراکسیون گفته بود، فهرست نهایی برای انتخابات هیئت‌رئیس‌ه اعلام شد. فهرستی ۱۲نفره که در آن زنان امیدی هم هستند. مجمع عمومی فراکسیون امید عارف را کاندیدای ریاست مجلس معرفی کرد. مثل سه سال گذشته علی‌

مطهری و مسعود پزشکیان برای نواب رئیس نامزد فراکسیون امید هستند. با اینکه مطهری سال گذشته به‌راحتی به این جایگاه نرسید؛ اما گمانه‌زنی‌ها حاکی از ابقای این دو در این جایگاه است. با توجه به اینکه رقبای احتمالی آنها هم از ظرفیت رای بالایی برخوردار نیستند. نامزدهای هیئت‌رئسه فراکسیون هم فاطمه سعیدی و آقایان محمدعلی وکیلی، علی‌اصغر یوسف‌نژاد، علیرضا رحیمی، بهروز نبادی و رضا کریمی هستند. سعیدی که فعلا سخنگوی فراکسیون است و این آخرین خیز زان امید برای شکستن حصار مردانه هیئت‌رئیس‌ه محسوب می‌شود. سعیدی خبر داده که عبدالکریم حسین‌زاده، محمود صادقی و سیدمهدی مقدسی برای جایگاه کارپرداز هیئت‌رئیس‌ه از سوی فراکسیون امید انتخاب شدند. گویا در مجمع عمومی فراکسیون آرای نامزدها به صورت مخفی بوده است.

احتمال ائتلاف ولایی‌هاومستقلین

داشت. هرچند به گفته خود نمایندگان ولایی برخی از آنها از ریاست عارف حمایت می‌کنند. هرچند دلایل این حمایت متفاوت است. **اقبال به عارف بیشتری‌شود؟** فراکسیون مستقلین از خط قرمز خود که حفظ لاریجانی است، سخن گفته؛ موضوعی که رئیس فراکسیون امید هم به آن اشاره کرد. دیروز هم مهرداد لاهوتی همین موضع را تکرار کرد؛ اما امروز کارت‌های رای ریاست بهارستان شاید آن‌طور که مستقلین می‌گویند، خوانده نشود. هرچند امیدی‌ها باز هم از اظهارنظرهای رسمی فرار می‌کنند و نگران وضعیت انتخابات امروز هستند؛ اما نماینده تبریز یکی از علت‌های اقبال به عارف در سال چهارم را تسلط او در مسائل اقتصادی می‌داند. آن هم در بهراهی که اولویت اصلی مسائل کشور اقتصادی است. شهاب‌الدین بی‌مقدار گفت: «اختیارات در این وضعیت به شورای هماهنگی سران به سه قوه داده شده. این شورای هماهنگی تصمیمی می‌گیرد و حتی قوانین مجلس را نقض می‌کند. در این تیم سه‌نفره هیچ‌کدام تسلطی روی مسائل اقتصادی ندارند. آقای عارف چهار سال معاون اول دولت اصلاحات بوده که در آن رشد اقتصادی مداوم و مثبت صورت گرفته است». حضور آقای عارف این جلسه می‌تواند کمک‌کننده باشد؛ بنابراین اگر آقای عارف رای بیاورد، به نفع کشور است». بی‌مقدار از نمایندگان‌سی می‌گوید که امیدی نیستند و گفته‌اند که به ریاست عارف رای می‌دهند. هرچند نام آنها را به میان نمی‌آورد. باید منتظر نتایج انتخابات ماند. همین که لاریجانی پیروز از پیش اعلام‌شده انتخابات نیست، نشان از تغییر وضعیت انتخابات هیئت‌رئیس‌ه دارد. جایی که شاید محمدرضا عارف بر صندلی سبز ریاست آن تکیه بزند.

سال شانزدهم • شماره ۳۴۳۷ روتاد **شرق**

حسینیه ارشاد در دست‌روحانیت سنتی

● شرق: از معدود پایگاه‌های نواندیشی دینی هم تصاحب شد. بعد از درگذشت ناصر میناجی، تنها و اولین مدیر حسینیه ارشاد از زمان تأسیس تا چند سال پیش، آرام آرام روند تسخیر حسینیه ارشاد آغاز شد و حالا به نظر می‌رسد که تکمیل شده است، انتشار فهرست سخنرانان شب‌های قدر امسال نشان داد که مهم‌ترین سنگر نماد روشنفکری دینی هم از دست رفته است. اعلام شده بود که در سه شب قدر امسال در حسینیه ارشاد به ترتیب این افراد سخنران و مداح هستند: حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدرضا حاج‌علی‌اکبری و امیر سلیمانی‌فر، حجت‌الاسلام‌والمسلمین سعید دسمی سخنران و علیرضا فیضی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین میراحمدرضا حاجی و مصطفی هادیان. چهره‌هایی که همگی به جریان مقابل یعنی اصولگرایی تعلق دارند و قطعا مشتریان پروپاقرص و همیشگی حسینیه ارشاد تا تعلق خاطری به این چهره‌ها دارند و نه قربانی با روایت‌هایشان. احتمالا حالا فقط یک کانون توحید باقی مانده است برای کسانی که می‌خواهند جور دیگری بشنوند و ببینند. شب‌های قدر حسینیه ارشاد در سالیان گذشته شب‌های قدر متفاوتی بود. آنها که از حرف‌ها و گفته‌های تکراری خسته بودند به حسینیه ارشاد می‌آمدند تا ستنی که ۵۰ سال پیش با شریعتی و سخنوری‌های آتشین و روایت‌های جدیدش از مذهب آغاز شده بود، به‌پای‌جا بماند. ممانعت‌ها از برگزاری سخنرانی‌ها در حسینیه ارشاد اگرچه در سال‌های گذشته کم نبوده اما شاید نقطه عطف آن روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه سال گذشته بود که از برگزاری مراسم تشییع پوران شریعت‌رضوی، همسر علی شریعتی در حسینیه ارشاد خودداری شد. مسئولان به خانواده آقای شریعتی و عزاداران اعلام کردند به آن سوی خیابان شریعتی بروند تا برای این مؤسسه مشکلی پیش نیاید. فرزند علی شریعتی همان وقت گفت که ساختمان حسینیه ارشاد برای ما یک نماد است والا ساختمان هیچ ارزشی برای تفکر شریعتی ندارد. اگر اینجا را انتخاب کردیم و امروز می‌گویند

حق ورود ندارید، شرم بر ما. حسینیه ارشاد مرکزی فرهنگی- مذهبی در خیابان شریعتی تهران بود که آوازه‌اش بیشتر به سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی علی شریعتی، مرتضی مطهری و محمد مفتح باز می‌گشت. نکته قابل تأمل این است که شارحان و حامیان قرائت سنتی از دین از همان ابتدا با حسینیه ارشاد سر ناسازگاری داشتند. از معماری غریبش که می‌گفتند مانند تکیه، مسجد یا حسینیه نیست تا سخنرانانش مانند علی شریعتی. این در حالی بود که مرتضی مطهری هم زمانی سخنرانان مهم این حسینیه بود. حسینیه ارشاد نخستین مکان مذهبی در ایران بود که در آن مردم به جای زمین، روی صندلی می‌نشستند. روحانیون سنتی و اندیشمندان سنت‌گرایی مانند سیدحسین نصر به چیدمان حسینیه انتقاد می‌کردند و آن را دنباله‌روی از کلیسا و کفار یا نشانه‌ای از نفوذ اهل تسنن در میان شیعیان می‌دانستند. این درگیری به جایی رسید که مسئولان حسینیه، نقشتی برای پاسخ به پرسش‌ها ترتیب دادند. حسینیه ارشاد نماد «اسلام مدرن» بود؛ آتجا برای اولین بار مذهبی‌ها به جای صلوات برای سخنران دست می‌زدند و آنجا بود که برای اولین بار هنر وارد مذهب شد. شاید به همین خاطر بود که پس از انقلاب نیز برخی مخالفت‌ها با گردانندگان حسینیه ادامه پیدا می‌کند. در شش سال نخست فعالیت حسینیه ارشاد، مرتضی مطهری جهت‌دهنده اصلی آن بود. با گذر زمان، حسینیه ارشاد جایی برای نسل تازه جوانان مسلمان شد که سودای مشارکت سیاسی داشتند. اما اختلاف و تنش میان چهره‌ها و گرایش‌های درون حسینیه نیز بالا گرفت. حضور افرادی چون علی شریعتی، محمد مجتهدشستری و عباس زریاب‌خویی باعث دوری روحانیون و چهره‌های نزدیک به مطهری و جناحی از حوزه علمیه شد. به مرور حسینیه ارشاد جایگاه خاصی پیدا کرد. نسلی تازه از جوانان مسلمان از دل آن درآمدند که سودای مشارکت سیاسی داشتند. اما در آبان ۱۳۵۱ ساواک به دستور محمدرضا پهلوی، حسینیه را تعطیل کرد. حسینیه تا انقلاب بازگشایی نشد. در سال ۱۳۵۸ (خورشیدی) هادی غفاری و گروهش به حسینیه حمله و آن را تسخیر می‌کنند اما میناجی، با دوستی و رابطه خود با آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی، رئیس آن هنگام کمیته انقلاب اسلامی، غفاری و تیمش را از آن مجموعه بیرون می‌کند. از جمله فعالیت‌هایی که حسینیه ارشاد در کارنامه خود دارد، مشارکت در تدوین قانون اساسی بوده است؛ بعد از پیروزی انقلاب تدوین سریع قانون اساسی خواست امام(ره) بود. به همین دلیل قرار شد جلساتی در همین رابطه در حسینیه ارشاد تشکیل شود تا آن پیش‌نویس یک بار دیگر بررسی و به فرارندوم خاتمی، حسینیه به طور سنتی تنها به برگزاری مراسم سالگرد آقای طالقانی، شریعتی، بازرگان و سحابی اکتفا می‌کرد اما بعد از ریاست‌جمهوری محمد خاتمی، این مکان به محل سخنرانی روشنفکران دینی و اصلاح‌طلب تبدیل شد و به دنبال آن هزارچندی‌خبر درگیری با شرکت‌کنندگان به گوش می‌رسید.